

[تتمه ای از بحث استثنای متعقب للجمل 1](#_Toc104139139)

[تخصیص قران به خبر واحد 2](#_Toc104139140)

[ترغیب شریعت برای خواندن قران با توجه به خدا 2](#_Toc104139141)

[اصل بحث 2](#_Toc104139142)

[جایگاه بحث 2](#_Toc104139143)

[مختار و دو بیان از مرحوم آخوند برای جواز تخصیص 3](#_Toc104139144)

[بیان اول: سیره اصحاب ائمه (علیهم السلام) 3](#_Toc104139145)

[بیان دوم: لغو شدن ادله خبر واحد در صورت عدم جواز تخصیص 3](#_Toc104139146)

[اشکال استاد به بیان دوم 4](#_Toc104139147)

[بررسی بیان اول مرحوم آخوند توسط استاد 4](#_Toc104139148)

**موضوع**: بررسی کلمات /تخصیص کتاب به وسیله خبر واحد /عام و خاص

# تتمه ای از بحث استثنای متعقب للجمل

بحث در مورد استثنای متعقب جمل تمام شد. یک کلمه ای که در جلسه قبل فراموش کردیم این است که مرحوم نائینی فرمود اگر جمله ها موضوعا و محمولا مستقل باشند استثنا به اخیر تعلق دارد. اصاله العموم در سائر جمل ها حجت است. در مقابلِ مرحوم آخوند که در مستقل قائل به اجمال شده بود. ما گفتیم فرمایش مرحوم آخوند عرفی تر است. احراز عموم با وجود این استثنایی که صلاحیت دارد به همه تعلق داشته باشد مشکل است. تا این جا را گفته بودیم.

اضافه این است: خصوصا بر مبنای مرحوم نائینی که استفاده عموم را موقوف به جریان مقدمات حکمت می­داند. همان طور که اگر جمله های سابقه ما مطلق باشند ادعای مرحوم آخوند واضح تر است نسبت به جایی که عمومات باشد همچنین بر مبنای ایشان که برای استفاده عموم همه جا می­گوید مقدمات حکمت لازم است با وجود استثنا که صلاحیت دارد به همه تعلق دارد تمامیت مقدمات حکمت خیلی مشکل است.

ما می­گوییم: اگر جمله ها مستقل شدند مجمل می­شوند خصوصا اگر جمله ها مطلقات باشند و یا نیاز به مقدمات حکمت داشته باشند. فقط بر مبنای مرحوم خویی است که نیاز به مقدمات حکمت نداریم خیلی محکم نیست ولی برای ادعای اجمال به این مقدار کافی است.

# تخصیص قران به خبر واحد

خبر واحدی که فقط دلیل بر حجیت دارد آیا جایز است که قران را تخصیص بزند؟ ما مقداری از بحث خارج شدیم.

## ترغیب شریعت برای خواندن قران با توجه به خدا

ما انکار نداریم که انسان تعمق در ایات داشته باشد به یک معارفی میرسد. بحث ما ترغیب شریعت بود. مقتضای روایات کثیره این است که همان طور به نماز خواندن ترغیب شده به قرائت قران هم ترغیب شده است. چه بفهمند و چه نفهمند. ما نمی­توانیم مردم را قدح کنیم به خاطر این که قران را نمی­فهمند. قران در خانه وجود داشته باشد و به خواندن آن ترغیب شده است. البته لا خیر فی قراءة لیس فیها تدبر منظور این است که وقتی که قران می­خوانید تدبر کنید و اگر به عمق قران نرسید جای قدح ندارد. همین که قران می­خواند به آیات عذاب می­رسد استعاذه داشته باشد و با خداوند صحبت کند. مثل نماز که خوانده می­شود که با خدا صحبت می­شود.

مطلوب شارع اصل قران خواندن در یک مرتبه ای و قران خواندن با تدبر در مرحله دیگری است. منظور از تدبر نکات تفسیری نیست. منظور با توجه خواندن قران است. با طهارت و صوت حسن باعث جلای قلب می­شود. علمیت علت جلا نیست. با این کلمات با خداوند رابطه بر قرار شود. وجهه عمومی قران عبادیت آن است. بحث عمل جای خودش را دارد. خواندن و به بالا رفتن به همین توجه به خدا است. اگر به جنات رسید دل نرم بشود و بگوید خدایا گناهان ما را بیامرز. به حالات صالحان رسید مقام آنها تمنا شود و غیره. شاید نکته هدی للمتیقن همین نکته با التفات است که به وجلت قلوبهم است. وقتی که شبهه ها به سراغ شما آمد فعلکیم بقراءة القران. تعبیر به قرائت است.

## اصل بحث

آیا تخصیص عموم و مطلق قران به خبر بلا قرینه و حجت بالخصوص، جایز است؟

### جایگاه بحث

همان طور که بعضی فرمودند مناسب این بحث، باب حجیت خبر واحد است. باید بحث شود که آیا خبر واحدی که مخالف با عموم و مطلقات قرانی است حجیت دارد یا نه؟ شاید به خاطر این که قدما این بحث را در این جا مطرح کرده اند بقیه هم در این جا مطرح کرده اند. حالا مهم نیست در این جا بحث شده است و ما هم بحث می­کنیم.

### مختار و دو بیان از مرحوم آخوند برای جواز تخصیص

مرحوم آخوند فرموده است: رفع ید از اصاله العموم قران به وسیله خبرواحد صحیح است به دو بیان.

#### بیان اول: سیره اصحاب ائمه (علیهم السلام)

سیره اصحاب ائمه (علیهم السلام) به خیلی از روایاتی که خلاف اطلاق و عموم قران بوده به آن عمل کرده بودند. اخباری به این معنا بوده اند. خبر ها را می­شنیدند و آن ها را ثبت می­کردند و بعد آنها را نقل می­کنند. این گونه نبود که آنها خبرهای خلاف عموم و اطلاق قران را کنار بگذارند. اگر این گونه بود داستانش به ما می­رسید.

اگر کسی بگوید شاید آنها قطعی بودند یا محفوف به قرینه بودند، جواب می­دهیم که این گونه نبوده است هر چند که بعضی از انها قطعی بوده ولی این همه اخبار که به دست آنها رسیده و در کتابها نوشته اند مع الواسطه بوده و همه آنها مباشرتا از امام نبوده است. مثل حسین بن سعید چند واسطه دارد. کثیری از روات اجلّاء که مصنفات آنها به دست ما رسیده، اخباری را درج کرده بودند که محفوف به قرینه نبوده است. اساسا بعضی از آنها سوال می­کردند که مثلا خبر یونس حجیت دارد. خبر یونس که محفوف به قرینه قطعیه نبوده است.

سیره اصحاب هر بزرگی کاشف از این است که از آن بزرگ گرفته است. طبیعی کار هم این است. الناس علی دین ملوکهم نیاز نیست که ملوک حتما پادشاه باشد. سیره متشرعه جای شبهه ندارد و نیاز به امضا ندارد و امضا اساسا داخل آن هست و از انجا آمده است.

#### بیان دوم: لغو شدن ادله خبر واحد در صورت عدم جواز تخصیص

مرحوم آخوند در این وجه بالاتر گفته است. بیان مطلب: اگر ما خبر واحد بلا قرینه را مخصص قرار ندهیم و بگوییم این موارد فایده ندارند لازمه آن این است که ما به خبر واحد عمل نکنیم و الغای ادله حجیت خبر واحد رخ دهد و کاللغو می­شود زیرا غالبا خبری پیدا نمی­شود مگر این که با عام یا مطلقی مخالف باشد. محرمات با احلت لکم الطیبات هماهنگ نیست. قیود نماز و غیره با ادله آنها سازگاری ندارد. اصل مرکبات در قران آمده و مقیدات آنها در اخبار واحد آمده است. غالب اخبار قید می­آورند. قران می­گوید ربا حرام است ولی در اخبار استثنا دارد.

اکثر روایات ما شأنشان تضییق عمومات و اطلاقات قرانی است و اگر حجیت نداشته باشند ادله خبر واحد لغو است. این همه ترغیب به این که خبر واحد عمل کنید کأنّ بی مورد می­شود پس خبر مخالف با عموم و اطلاق قران معتبر است و موجب تقیید و تخصیص می­شود. احل الله البیع با بطلان بیع غرری تقیید زده می­شود. لا ربا بین الولد و الوالد، حرّم الربا را تقیید می­زند.

همین که فرموند به خبرواحد عمل کنید به دلالت اقتضا می­گویند به وسیله خبر واحد تخصیص و تقیید بزنید و الا حمل بر فرد نادر می­شود.

##### اشکال استاد به بیان دوم

منشا این بیان دوم مرحوم آخوند از اصول به فقه رفتن است. این گونه نیست که اگر ما به خبر واحد تخصیص نزنیم لغو می­شود. این همه موارد اخبار وجود دارد که تخصیصی در کار نیست. الان بحث ما در مورد لباس مصلی است و تقیید قران در کار نیست.

مرحوم بروجردی در جامع الاحادیث ایات مناسب را هم می­آورد و خیلی از انها اشعار است و خیلی هم موافق با روایات است و اندک است که مخالف روایات آن باب باشند. غالب ابزار اجتهاد روایات و خبر واحد است . عمده ابراز، خبر واحد است و غالب موارد خبر واحد یا ربطی به قران ندارند و قران در ان مورد ساکت است و اصلا امکان نداشته که در آن چند سال که جنگ بوده و مردم استعداد نداشته اند، دین کامل شده باشد. مجرد نصب امام تکمیل نمی­کند بلکه تتمه آن بیان روایات است. کثیری از این موارد مخالفتی ندارند و بعضی از موارد، قران موید است و موارد هم از قران کلیاتی هستند که در مقام بیان نیستند در این جا خبر واحد مقید نیست زیرا اصلا اطلاقی منعقد نشده است. اهل تسنن هم که به سراغ قیاس و استحسان رفته اند اعتراف دارند که مواردی که بر پیامبر نازل شده است کم است. ما می­گوییم روایات هستند که بیان کننده وقایعی است که بیان شده است. ما خدا را شکر می­کنیم که متمسک به ولایت ائمه اهل بیت هستیم.

##### بررسی بیان اول مرحوم آخوند توسط استاد

اما فرمایش اول مرحوم آخوند که فرمود سیره اصحاب، صحیح است. اما این که در ادامه فرمود اصحاب ائمه خبر واحد را مقید و مخصص قرار می­دادند، قرینه ای در کار نبوده است، خیلی صاف نیست هر چند که بعید نیست. ما خبر های مخالف قران را کم کردیم اگر زیاد بود حرف مرحوم آخوند بعید نبود. اما وقتی که کم کردیم استبعاد از بین می­رود خصوصا خیلی از اصحاب از امام سوال می­کردند و یقین داشتند یا این که یک نفر واسطه بود و یقین پیدا می­کردند یا این که اگر چند واسطه داشتند آنها خبر داشتند و آنها را می­شناختند و یقین و اطمینان پیدا می­کردند.

اگر کسی به ما بگوید اصحاب ائمه یقین یا اطمینان به فرمایشات ائمه داشتند حرف بعیدی نگفته ولی فی الجمله اخباری بوده که آنها عمل می­کردند و یقینی هم نبوده است. أیونس.... ثقة..... خصوصا کسانی که از امامان دور بودند خصوصا یک جو دسیسه بود و معارض برای اخبار پیدا می­شد می­توان گفت لا یبعد اصحاب ائمه به خبر ثقه در مقابل عموم و اطلاق قران عمل می­کردند خصوصا اصل ائمه هستند و الان هم این نکته در عرب حجاز هست. اهل تسنن رها کردند و از طرفی خیلی از شیعیان گفتند ما قران را نمی­فهمیم و هر چه ائمه بگویند. بعضی هم علم چندانی نداشتند که نسبت سنجی بین اخبار و عمومات قرانی داشته باشند مثل الان که اگر ما خبر معتبری داشته باشیم اصلا به قران مراجعه نمی­کنیم که قران چه گفته است.

این نکته در ارتکاز شیعه هست در مقابل کسانی که ملاک را فقط قران قرار میدهند. غالب روات کارشان این بود که بگویند قال الصادق و قال الباقر. خصوصا که مثل امام باقر به هشام فرمود به قران تمسک نکن چرا که قران ذو وجوه است. عمده مستمسک اخبار است و با دیدن کتب فقهی قدما به عنوان رساله عملی به دست می­آورید که مضامین روایات هستند که تبدیل به فتوا میشوند نه مضامین قران.

اگر تامل کنید بیشتر به این نتیجه می­رسید که اصحاب ائمه به روایاتی که مقابل عمومات و اطلاقات قرانی عمل می­کردند البته با دغدغه هایی که بود.

تحقیق المقام در این که تخصیص قران به خبر واحد جایز است یا نه، باید ببینیم مقتضی دارد یا نه، بعد مانع دارد یا نه. به سیره منوط نشود تا با اشکال مواجه شویم. به طور فنی بحث را مطرح می­کنیم. ادامه بحث در جلسه آینده.